

# راز بزرگ

چرخش و گردش از رازهای شگفت‌انگیز خلقت‌اند. ماه دور زمین، زمین دور خورشید، خورشید در کهکشان و کهکشان در فضای بیکران می‌گردند. هم‌چنین الکترون‌ها به دور هسته می‌گردند تا نبض هستی در قلب اتم‌ها بتپد. خون در بدن ما می‌گردد تا زنده بمانیم. آب در چرخه طبیعت می‌گردد تا حیات ادامه یابد و خداوند بندگانش را دعوت به طواف کعبه کرده است تا با این راز بزرگ هستی همراه شوند. ما آدم‌ها غیر از گردش ظاهری، از نوعی گردش معنوی نیز

برخورداریم که مدار آن بستگی به بلندی افکار و بینش ما دارد. مثل بادبادکی که نخ آن کم کم آزاد می‌شود تا اوج بگیرد، ما نیز با افزودن به نخ دانایی و معرفت خود بالاتر می‌رویم و رشد می‌کنیم. حالا که یک‌بار دیگر خورشید را دور زده‌ایم و داریم به شروعی دوباره می‌رسیم، بیایید بادبادک روحمان را در نسیم بهاری به پرواز در آوریم و از خدای مهربان بخواهیم سرخ زندگی ما را به لطف بی‌پایان خودش گره بزند.

## نوجوان

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی دوره‌سی‌ام / اسفند - ۱۳۹۰ / شماره‌بی‌درنی ۲۳۹



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات کمک آموزشی

۶ مواظب دقیقه‌ها باش  
مهارت‌های زندگی

۴ کلاس دیجیتالی  
کاردرس

۲ کی پازل منو به هم می‌زنه؟  
مهارت‌های زندگی

۱ راز بزرگ  
یادداشت سردبیر



۱۴ هندسه عملی  
عصر طلایی

۱۲ معجون سوسمار  
شگفتی‌های خلقت

۱۰ یک سبب شعر  
لحظه‌های شاعرانه

۹ خوش قولی  
سخن آشنا



۲۴ کازرون  
ایران ما

۲۲ تک درخت جزیره  
داستان ماه

۲۱ زیر لباس لطیف  
لحظه‌های فیروزه‌ای

۲۰ زبان نو  
زبان انگلیسی

۱۸ زندگی بدون قند  
شیرین تر است  
سلامت



۳۴ ارباب حلقه‌ها  
ورزش

۳۲ گرد بافت  
کاردرستی

۳۰ گز  
علمی

۲۹ لبخند منظوم  
طنز

۲۶ گلدان  
آثار سید



۴۰ له معجون  
دست پخت

۳۸ زنگ تفریح  
جدول و سرگرمی

۳۷ معرفی کتاب  
کتابخانه

۳۶ خربزه هندی  
زبان و زمان



### ارتباط با ما:

اگر انتقاد یا پیشنهادی درباره شکل و محتوای مجله یا جگونیگی توزیع آن دارید با شماره تلفن ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ تماس بگیرید و پس از شنیدن صدای پیام‌گیر، کد مورد نظرتان را وارد کنید و بعد از شنیدن دوباره همان صدا، پیام بگذارید.  
کد مدیر مسئول: ۱۰۲، کد سردبیر: ۱۰۶، کد امور مشترکین: ۱۱۴

### دفتر انتشارات کمک آموزشی به جز رشد نوجوان مجلات زیر را نیز منتشر می‌کند:

رشد کودک: ویژه پیش‌دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان  
رشد نوآموز: برای دانش‌آموزان کلاس‌های دوم و سوم دبستان  
رشد دانش‌آموز: برای دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان  
رشد جوان: برای دانش‌آموزان دوره متوسطه  
رشد برهان (نشریه ریاضی دوره متوسطه)  
رشد برهان (نشریه ریاضی دوره راهنمایی)  
ماهنامه‌های رشد معلم: تکنولوژی آموزشی، آموزش ابتدایی، مدیریت مدرسه  
مدرسه فردا: آموزش راهنمایی تحصیلی، آموزش فیزیک  
آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان  
آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا  
آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی  
آموزش هنر، آموزش علوم اجتماعی، آموزش زمین‌شناسی، آموزش قرآن  
آموزش فنی و حرفه‌ای، مشاوره مدرسه و پیش‌دبستان (برای آموزگاران  
دانشجویان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش).

مدیر مسئول: محمد ناصری

سردبیر: حبیب یوسف‌زاده

شورای کارشناسی:

مجید عمیق، علیرضا متولی، محمدعلی قربانی

مدیر داخلی: زهره کریمی

ویراستار: لیلا جلیلی

طراح گرافیک: روح‌الله محمودیان

نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۳

تلفن: ۸۸۸۴۹۰۹۷

نشانی مرکز بررسی آثار: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

تلفن: ۸۸۳۰۵۷۷۲

وبگاه: [www.roshdmag.ir](http://www.roshdmag.ir)

وبلاگ: [www.roshdmag.ir/weblog/nojavan](http://www.roshdmag.ir/weblog/nojavan)

پیام‌نگار: [nojavan@roshdmag.ir](mailto:nojavan@roshdmag.ir)

شمارگان: ۷۵۵۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)



# کتابخانه منوچهر چه می‌سازد؟

علیرضا متولی

۲  
نوجوان (اسفند ۱۳۹۰)



آدمی تا آخر عمرش در حال بازی با جورچین یا پازل خودش است. مگر آن‌ها که اصلاً توجهی به خودشان نمی‌کنند. عده‌ زیادی از آدم‌ها خودشان را فراموش کرده‌اند. عده‌ زیادی هم اصلاً نمی‌دانند هستند. همین طوری زندگی می‌کنند. و البته هر وقت دچار مشکل می‌شوند، تقصیر زمین و زمان و این و آن می‌اندازند. اما عده‌ زیادی از مردم هم هستند که دائم به خودشان مشغولند. می‌خواهند خوب زندگی کنند، اما باز هم در برابر مشکلات همیشگی زندگی کم می‌آورند.

البته به عبارت تعریف واقعی دقت کن. تعریف واقعی؛ یعنی تعریفی که تو در خلوت خودت از خودت داری. اما مسئله این جاست که آیا در خلوت خودت هم شناخت درستی از خودت داری یا نه. تصویری که از کل خودت در ذهن داری، در واقع تصویر قطعه‌های پازلی است که وجود تو را تا این‌جا شکل داده است.

اما یکی از این قطعه‌ها این است؛ تو هنوز بچه‌ای! پدر و مادرت و حتی جامعه هنوز نمی‌توانند نقش تو را به عنوان نوجوان بپذیرند. پس قطعه «تو هنوز بچه‌ای» را در قاب پازل وجود تو می‌گذارند. اما تو دوست داری این قطعه را تغییر بدهی. و این قطعه را جای آن بگذاری؛ من دیگر بزرگ شده‌ام! من دیگر بچه‌نیستم!

دقت کن؛ اما با این که دوست داری این قطعه جدید را جایگزین کنی، هنوز هم گاهی بدت نمی‌آید مثل یک بچه با تو رفتار شود. همان مهربانی‌ها و مراعات‌ها را انتظار داری. گاهی حتی خودت هم شک داری که بزرگ شده‌ای یا هنوز بچه هستی.

این یکی از مسائلی است که روان‌شناس‌ها درباره‌اش بسیار تحقیق کرده‌اند. و حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. روان‌شناس‌ها اسم این حالت را می‌گویند بحران هویت. نگران نباش این بحران به زودی حل خواهد شد. البته نیاز به این دارد که خودت درباره‌ خودت خوب فکر کنی و البته نقش دیگران هم هست. پدر و مادر و خانواده و جامعه هم کمک خود را خواهند کرد. البته در بعضی موارد به این بحران دامن می‌زنند و نوجوان عزیز ما را دچار زحمت بیشتر می‌کنند.

حالا که با مفهوم بحران هویت آشنا شدی، آماده شو برای شماره بعد که حرف‌های اساسی‌تری در این باره خواهی خواند. و اگر دوست داشتی درباره مشکلاتت با ما گفت‌وگویی داشته باشی، حتماً مکاتبه کن، چه با نامه و چه با پیام‌نگار مجله. فعلاً!

در شماره قبل نوشتیم که این مشکل از ناهماهنگی در چیدن قطعه‌های پازل وجود شکل می‌گیرد. و مشکل اصلی در این است که بعضی از این قطعه‌ها به دست خودت جاگذاری نشده است. پدر، مادر، معلم، دوست، فیلم‌هایی که دیده‌ای، بازی‌هایی که کرده‌ای، نوشته‌هایی که خوانده‌ای؛ همه و همه به نوعی در جاگذاری قطعه‌های وجودت تاثیر داشته‌اند؛ اما از این به بعد خودت هستی که باید این قطعه‌ها را برداری و سر جایشان بگذاری و اگر قطعه‌ای را نداری، بگردی و پیدا کنی. مطمئن باش همه قطعه‌ها در این هستی وجود دارد. به شرطی که دنبالش بگردی و بخواهی خودت را کامل کنی.

اما این را هم بگویم این تلاش کار یک روز، دو روز نیست. تا آخر عمرت باید در این تلاش باشی. هیچ کس نمی‌تواند کامل باشد؛ اما همه می‌توانند بهترین باشند. خداوند در حد امکاناتی که در اختیار گذاشته‌ است تو پاسخ می‌خواهد. حالا برمی‌گردیم به سؤال اول که بهانه نوشتن این مطالب است.

### من کی هستم؟

که باشم من؟ مرا از من خبر کن

چه معنی دارد «اندر خود سفر کن»

اگر کردی سؤال از من که من چیست

مرا از من خبر کن تا که من کیست

شیخ محمود شبستری

این سؤال اساسی بشر است. احتمالاً چیزهایی درباره‌ هویت شنیده‌ای.

هویت یعنی تمام چیزی که تو را می‌سازد. دیگران وقتی می‌خواهند تو را معرفی کنند، هر چه درباره‌ات بگویند در حقیقت درباره‌ هویت تو گفته‌اند. خودت هم وقتی بخواهی تعریفی واقعی از خودت داشته باشی، از چیزهایی حرف می‌زنی که هویت تو را تشکیل می‌دهند.

# يك کلاس دیجیتالی

آشنایی با رشته وبلاگ نویسی

تهمینه حدادی عکس: حمیدرضا همتی

۴

بوجان  
اسفند ۱۳۹۰

## چه کاره می شوید؟

وحید نصیری زاده و دانیال ستارزاده از دانش آموزان این رشته‌اند. آن‌ها می‌گویند طراحی صفحات وب فقط به طراحی وب‌گاه محدود نمی‌شود، بلکه می‌توانید کم‌کم بازی هم بسازید. آن‌ها معتقدند کسی که این رشته را می‌خواند، می‌تواند در شرکت‌های اینترنتی، بانک‌ها، سازمان‌های خصوصی و هر جای دیگر کار کند؛ چون تا چند سال دیگر همه چیز رایانه‌ای می‌شود و همه اصناف و اداره‌ها به کسی احتیاج دارند که برای آن‌ها وب‌گاه راه‌اندازی کند.

این‌ها علاوه بر تأسیس شرکت خصوصی است. وقتی شما شرکت خصوصی داشته باشید کسانی به شما مراجعه می‌کنند و می‌خواهند برایشان وب‌گاه درست کنید.

## حرف اول

در این دوره و زمانه که رایانه حرف اول را می‌زند، معلوم است که مهارت‌های مورد نیاز آن، این جا و آن‌جا تدریس شود، اما دیگر هیچ کلاسی بلندگو ندارد، مگر کلاس «طراحی صفحات وب». خانم معلم یا آقای معلم پشت رایانه‌اش می‌نشیند و شما و دوستانتان هم پشت رایانه خودتان. معلم هم که نمی‌تواند داد بزند پس ...

## این کدهای عجیب

طراحی صفحات وب رشته سختی نیست، البته سختی‌های خودش را هم دارد. فکر کنید شما طراح صفحات یاهو یا گوگل بودید. (حالا فهمید منظور از طراحی صفحات وب یعنی چه) البته شما طراح این وب‌گاه نیستید، اما اگر خوب کار کنید می‌توانید علاوه بر وب‌گاه شخصی، کلی وب‌گاه هم برای شرکت‌های مهم راه‌اندازی کنید.

شروع کار شما از همان سال دوم هنرستان با کدگذاری آغاز می‌شود. شما باید در برنامه «نوت‌پد» که خیلی‌هایمان آن را در رایانه‌هایمان داریم برنامه‌نویسی کنید؛ برای مثال می‌خواهید عکسی را توی وب‌گاه بگذارید، پس یک کد در نوت‌پد می‌سازید و توی وب‌گاه آن کد را وارد می‌کنید، آن وقت عکس وارد وب‌گاه می‌شود. آرام آرام که بگذرد شما باید خودتان یک وب‌گاه درست و حسابی راه بیندازید و این کار را در کلاس سوم هنرستان یاد می‌گیرید.

برای استفاده در وب‌گاه یا وبلاگ خود، می‌توانید از این کد استفاده کنید.

```
<embed flashvars="file=http://farsi.khamenei.ir/video-rss?id=11790&playlist=bottom&playlis
tsize=60&skin=http://farsi.khamenei.ir/flash/skins/kh_svplayer_v3.fkh" allowfullscreen="true"
allowscripaccess="always" height="270" width="584" src="http://farsi.khamenei.ir/flash/kh_vplayer_
v3.swf" name="vPlayer11790" id="vPlayer11790" type="application/x-shockwave-flash"></embed>
```



**این‌ها را یاد می‌گیرید؟**

- از ساختن رایانه تا چت کردن
- آشنایی با وب‌گاه‌های بزرگ دنیا
- آشنایی با طراحان وب‌گاه‌های بزرگ دنیا
- برنامه‌آکسل
- برنامه‌پاورپوینت
- برنامه‌ورد
- برنامه‌اکسس
- فوتوشاپ
- برنامه‌فلش
- تعمیرات جایگزینی نرم‌افزار

**امتحان آخر سال**

امتحان آخر سال زیاد هم سخت نیست. معلم به شما برگه‌ای می‌دهد. در آن برگه ویژگی‌هایی نوشته شده است. باید سایتی بسازید و ویژگی‌های روی برگه را در آن به کار ببرید.

**حرف پایان!**

وحید و دانیال:

اگر می‌خواهید وارد این رشته شوید این را بدانید که آن‌چه درباره‌ی رایانه می‌دانید خیلی با آن‌چه می‌آموزید متفاوت است. سرو کله‌زدن با کدها به آسانی چت کردن نیست. شما این بار قرار است چیزی ارائه بدهید. نه این‌که از چیزی استفاده کنید.

\* با تشکر از هنرستان کارودانش علی نقی غیائی  
 - منطقه ۱۸

**این چیزها مهم‌اند:**

- مهم‌ترین کاری که باید انجام دهید کدگذاری است. هر چیزی کد مخصوص به خودش را دارد.
- اگر کدی اشتباه شود، کل برنامه‌ها به هم می‌ریزد. پس باید ذهنتان باز باشد و زیاد هم از ریاضی بدتان نیاید و صبر و حوصله به خرج بدهید. اگر یک نقطه را اشتباه بگذارید، باید کدتان را از اول ویرایش کنید.
- جلوه‌دادن به صفحه کار سختی است. شما باید سلیقه‌ی مردم را بشناسید و بدانید از چه چیزهایی خوششان می‌آید. توقع نداشته باشید وب‌گاه سیاه رنگی درست کنید و آن‌ها خوششان بیاید.

**این ویژگی‌ها را دارید؟**

- علاقه به رایانه
- آشنایی با رایانه
- توانایی به روز رسانی اطلاعات



# مواظب دقیقه‌ها باش!

ابراهیم اصلانی

تصویرگر: سام سلماسی





۶:۳۰ صبح





نکته دوم: باید تغییرات تدریجی و منطقی باشد.

من می‌خواهم ساعات مطالعه‌ام را افزایش دهم. پس باید بینم در حال حاضر چند ساعت در روز مطالعه می‌کنم.



نکته اول: برای هر تغییر رفتار، اول باید وضع موجود را بسنجیم؟

پس اگر من بخواهم ساعات خوابم را کم کنم، باید بدانم الان در روز چه قدر می‌خوابم.



زحمت می‌کشید! یک وقت دچار کم‌خوابی نشوید!؟

هر روز حدود نه ساعت می‌خوابم.

من هم برای شروع می‌توانم پنج یا ده دقیقه از خوابم کم کنم.



من هر روز حدود چهار ساعت وقت صرف مطالعه و درس خواندن می‌کنم. در قدم اول می‌توانم این زمان را نیم ساعت افزایش دهم.



یعنی اگر تغییرات جهشی و سریع باشد به نتیجه نمی‌رسیم.



نکته سوم: تغییرات ناگهانی ممنوع!



من یک‌بار تصمیم گرفتم سه ساعت نرمش و ورزش انجام دهم.

قبلاً هر روز چند ساعت ورزش می‌کردی؟

هیچی!



خوب است به فکر تغییر رفتارهایتان باشید به شرطی که تغییرات شدنی باشد.



بگذار محاسبه‌هایمان را انجام بدهیم، بعد می‌گوییم.



بچه‌ها! مواظب دقیقه‌ها باشید تا بتوانید از زمان و زندگی‌تان به خوبی استفاده کنید.

خوب! کی بود که می‌خواست سحر خیز باشی؟ فردا چه ساعتی بیدارتان کنم؟ ۳/۵ خوب است!



تا دو روز به سختی حرکت می‌کردم!





# خوش قولی

حسین امینی پویا

وَالَّذِينَ هُمْ لَا مَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ [مؤمنون: ۸]

در نظر بگیریم و زودتر از حد معمول حرکت کنیم تا به موقع برسیم. با این کار شخصیت خود را نشان می‌دهیم؛ زیرا احترام شما به پیمانی که با کسی می‌بندید در وهلهٔ نخست احترام به شخصیت خودتان است.

پیمان‌شکنی نشانهٔ بی‌نظمی در زندگی است. با پیمان‌شکنی اولین ضربه را به شخصیت خودتان می‌زنید. کسی که وعدهٔ خود را محترم نمی‌شمارد به تدریج اعتبار خود را از دست می‌دهد و مردم دیگر برای حرف‌ها و قول و قرارهایش ارزشی قائل نمی‌شوند.

پیمان‌شکنی نشان نوعی بی‌ایمانی نیز است، مگر ایمان پیمانی نیست که با خدا و دین داریم، کسی که پیمان خود را می‌شکند از کجا معلوم که تعهدات دینی خود را نیز کم و بیش زیر پا نگذارد؟ آیا غیر از این است که حداقل به دستور خداوند در زمینهٔ تعهدشناسی توجه نکرده‌است؟ مگر وفای به عهد مورد تأکید دین نیست؟ این جاست که می‌فهمیم، چرا در این آیه عمل به وعده و امانت‌داری از مهم‌ترین صفات مؤمنان شمرده شده‌است.

«مؤمنین کسانی هستند که [امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند.]» وفای به عهد و تعهد به وعده‌ها موضوعی اجتماعی است که سلامت جامعه و استواری روابط اجتماعی به آن بستگی دارد، از این رو در دین به آن بسیار تأکید شده است.

هستند آدم‌هایی که بی‌خود و بی‌سبب بدون این که قادر به انجام دادن کاری باشند قول می‌دهند، در حالی که همیشه باید بار را به اندازهٔ توانایی خود برداشت و لزومی ندارد همه جا صد در صد قول بدهیم، باید درصدی را برای حوادث پیش‌بینی نشده منظور کرد، مگر همه چیز دست ماست.

پس تا جایی که ممکن است نباید قولی بدهیم به خصوص قولی که نمی‌خواهیم به آن عمل کنیم. اگر هم قولی دادیم سعی کنیم حتماً به آن عمل کنیم؛ برای مثال اگر به جایی می‌رویم و به مادرمان قول می‌دهیم ساعت چهار بعدازظهر به خانه برگردیم، دیرتر از ساعت چهار به خانه برنگردیم. برای این کار سعی قبلاً موانعی را که ممکن است برنامه‌ریزی ما را به هم بزند شناسایی و پیش‌بینی کنیم؛ یعنی اگر قرار است از وسیلهٔ نقلیه استفاده کنیم ترافیک مسیر بازگشت را

### برای بچه‌های خوب

خدا درخت را که آفرید، دید  
پرنده نیز لازم است  
پرنده را که آفرید، دید  
هوای زنده نیز لازم است  
پرنده در هوای زنده پرگشود  
رفت و رفت، بعد مدتی  
به آشیانه بازگشت  
خدا برای او غروب آفرید  
پرنده در میان سایه روشن غروب  
در آشیانه‌اش به خواب رفت  
خدا اگر درخت آفرید  
اگر پرنده آفرید  
اگر هوای زنده آفرید  
اگر غروب آفرید  
برای خاطر تو بود  
خدا تمام چیزهای خوب را  
برای بچه‌های خوب آفرید.

محمد حسن حسینی

### طرح نو

مداد را بردار  
به روی صفحه کاغذ  
- که مثل دیوار است -  
دو طرح، از دو - سه تا پنجره بزن  
و پشت پنجره کوهی  
و آسمانی صاف  
درخت سبزی  
بر شاخه‌هایش گنجشکان  
و آفتابی گرم از محبت خورشید  
  
نگاه کن آن وقت  
به طرح منظره‌ات  
به آسمان و به کوه  
به آفتاب درخشان  
به باد  
- وقتی که -  
عبور می‌کند از برگ‌های نقاشی  
و می‌وزد بر تو.

بیوک ملکی

# یک سبد شعر

زیر نظر بابک نیک طلب

## بهار پنجره

صدای پنجره می آید  
صدای پنجره بی حرف  
نگاه کن به صدای او!  
میان بارش نرم برف

صدای پنجره می گوید  
به گوش من غم گلدان را  
صدای پنجره می داند  
پیام ابری باران را

سکوت قرمز لادن را  
شنیدم از لب زیبایش  
میان باغچه پیچیده  
نسیم عطر نفس هایش

صدای پنجره می آید  
به گوش پرده بازیگوش  
ترانه بخش و تماشایی ست  
صدای پنجره خاموش

دوشنبه، پانزده اسفند  
بهار پنجره در راه است  
صدای پنجره می داند  
که عمر برف چه کوتاه است

مهدی مرادی

## گره آرزو

امامزاده خلوت است  
حیاط او پر از سکوت  
کنار حوض کوچکش  
خمیده یک درخت توت  
نشسته توی صحن آن  
گدای پیر و خسته اش  
چکیده آفتاب ظهر  
به گنبد شکسته اش  
رواق های آن پر از  
صدای بال کفتر است  
به روی سنگ فرش آن  
بساط گندم و پر است  
ضریحش از میان در  
چه خوب دیده می شود

صدای گریه زنی  
از آن شنیده می شود  
میان صحن می خزد  
صدای های های زن  
و بوی غصه می دهد  
صدای گریه های زن  
دو دست او به آسمان  
ضریح روبه روی اوست  
به پنجره گره زده  
هر آن چه آرزوی اوست

افسانه شعبان نژاد

## حس مبهم

می جوشد انگار از درونم  
این روزها یک حس مبهم  
حسی شبیه بارش ابر  
آمیزه ای از شادی و غم  
گاهی شبیه پر کشیدن  
از پيله ای تاریک و بسته  
گاهی شبیه جوشش آب  
در خواب یک مرداب خسته  
با هر بهانه می شود اشک  
از چشم های من سرازیر  
گاهی صبور و مهربانم  
گاهی به هر کس می دهم گیر  
دائم دلم می خواهد آرام  
در گوشه ای رؤیا بیافم  
آن قدر می پیچم به خود که  
اصلاً ندارد سر کلافم  
این روزها خیلی عجیبم  
از دنیای من خیلی شلوغ است  
این حس مبهم، حس زیبا  
آغاز دنیای بلوغ است  
طیبه شامانی

# معجون سوسمار

ملیکاقلیچ پور



## چندبار پر خوری

این جانور در سال فقط سه یا چهار مرتبه غذا می‌خورد. ولی هر بار مقدار فراوانی تخم جانوران مختلف و حیوانات کوچک مثل پرنده‌گان، خرگوش‌ها و موش‌ها را می‌خورد. پس از هر بار غذا خوردن به پناهگاه زیرزمینی خود باز می‌گردد و تا چندماه چیزی نمی‌خورد، ولی در این مدت گرسنه نمی‌ماند و بی‌حال نمی‌شود؛ زیرا مقدار زیادی انرژی مصرف نکرده در بدنش ذخیره دارد.

## سنگین وزن بیابانی

هیولای گیلا سوسماری است که در بیابان‌های آمریکا زندگی می‌کند. به دلیل وزن سنگینش آرام راه می‌رود. این جانور نیم متری حدود شش کیلوگرم وزن دارد.

انسان در گذشته برای درمان بیماری‌ها از گیاهان و جانوران اطرافش استفاده می‌کرده است. با وجود این که امروزه با پیشرفت علم پزشکی، داروهای شیمیایی بسیاری تولید می‌شود، باز هم پزشکان دست به دامن طبیعت هستند.

## هیولای سمی

هیولای گیلا یکی از دو نوع سوسمار زهردار جهان است که در بزاقش زهر بسیار قوی وجود دارد. وقتی طعمه‌اش را گاز می‌گیرد با دندان‌های قوی‌اش محکم آن را نگه می‌دارد. سپس زهر کشنده بزاقش را به محل زخم جانور می‌زند و آن را به راحتی می‌کشد و می‌خورد.

## بزاق دستوردهنده

ماده ویژه‌ای در بزاق دهان هیولای گیلا وجود دارد. این ماده دستور می‌دهد که غذای خورده شده به تدریج هضم شود تا در مواقع لازم از انرژی آن استفاده شود.



## انرژی بدن

وظیفه غده لوزالمعده در جانوران و انسان تولید ماده‌ای به نام انسولین است. انسولین قند حاصل از خوردن مواد غذایی را به همراه گردش خون به سراسر سلول‌های بدن می‌برد تا انرژی مورد نیاز فعالیت ماهیچه‌ها و اندام‌های بدن تامین شود.

## دارویی از بزاق

در سال‌های ۱۹۹۲، پزشکی به نام انگ متوجه عملکرد ماده‌ی شگفت‌انگیز موجود در بزاق دهان هیولای گیل شد. او موفق شد تا با الهام از آن، دارویی برای بیماران دیابتی بسازد. این دارو مانند بزاق دهان این سوسمار، کمک می‌کند تا لوزالمعده انسولین کافی برای رسیدن قند خون به تمام بدن را تولید کند.

## کنترل بیماری

امروزه افراد زیادی در جهان از بیماری دیابت رنج می‌برند. اگر این بیماری مداوا یا کنترل نشود، باعث بروز بیماری‌های قلبی، فشار خون و نابینایی می‌شود. حتی در صورت شدیدبودن، خون به پای بیمار نمی‌رسد و ممکن است پایش قطع شود یا جاننش را از دست بدهد.

یک بیمار دیابتی گفته: «می‌دانم اگر این هیولای زهردار را ببوسم بدجوری توی دردسر می‌افتم، اما با این حال این سوسمار نجات‌بخش را دوست دارم.»

به راستی که خداوند به حقیقت در قرآن، انسان را به دقت و مطالعه در آسمان‌ها و زمین فرا می‌خواند: «بگو بنگرید در آسمان و زمین چیست و

...» [یونس: ۱۰۱]

## بیماری دیابت

دیابت بیماری ناشی از درست کار نکردن غده لوزالمعده است. لوزالمعده افراد مبتلا به بیماری دیابت، به اندازه کافی انسولین تولید نمی‌کند به همین دلیل مقدار قند خون این افراد افزایش می‌یابد.





# هندسه عملی



سید امیر سادات موسوی

تصویرگر: میثم برزا

پس یادت  
نره، خوراکی‌ها  
اینجاست

بچه‌ها زود باشید!  
داریم حرکت  
می‌کنیم دیگه

مدرسه راهنمای انوشیروانی

نیشابور - آرامگاه عطار

سال‌ها پیش نیشابور پر از  
مدرسه‌های علمی بوده و در  
تمام شهر، بسیاری از فنون و  
هنرها مثل کاشی‌کاری رایج  
بوده‌است. بیا سری به آن  
روزها بزنیم...

اینو یادش  
رفت بپره!

۱۴

نوجوان  
اسفند ۱۳۹۰



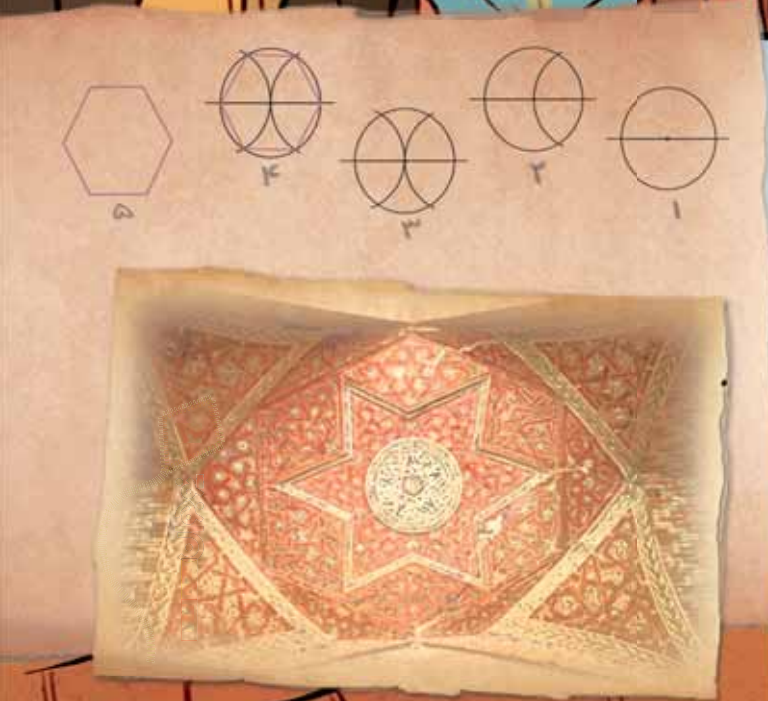


الآن می‌خواهم یک شش ضلعی منتظم رسم کنم



معلم مون هم اینجاست!

اینجا را ببینید. این آقا رسم‌های هندسی جالبی دارد



یادت هست که معلم ریاضی یک بار از بچه‌ها خواسته بود که با استفاده از خط‌کش و پرگار شش ضلعی منتظم رسم کنند؟



من و بسیاری از نجاران و مهندسان برای ترسیم شکل‌های هندسی مورد نیازمان از این کتاب استفاده می‌کنیم

کتاب نهارت  
عمل‌های هندسی  
که صنعتگران را  
به‌کار آید  
نوشته ابوالوفای جوزجانی

ابوالوفای جوزجانی؟



ما برای کاشی‌کاری و صنعتگری باید بتوانیم شکل‌های مختلف هندسی را ترسیم کنیم

این کتاب بوزجانی اولین کتابی است که اختصاصاً دربارهٔ هندسهٔ عملی نوشته شده است

بوزجانی هم در واقع اهل همان شهر است

اگر اشتباه نکنم، بوزجان اسم محلی در نزدیکی شهر تربت جام از استان خراسان جنوبی است!

بوزجانی منجم و ریاضی‌دان بزرگی بوده است

در این کتاب ۱۶۰ مسئلهٔ هندسی مطرح شده است که همهٔشان کاربردهای عملی دارد

هندسهٔ عملی یعنی چه؟

یعنی روش‌هایی که با خط کش و پرگار بتوان شکل‌های هندسی را رسم کرد

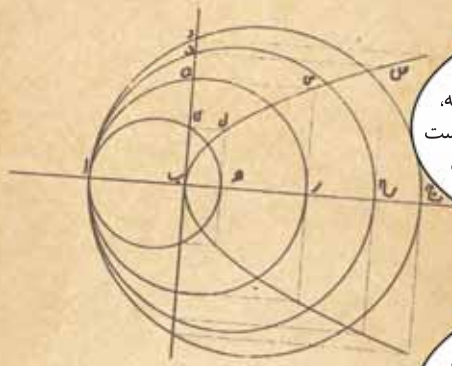
این ترسیم‌ها فقط مربوط به کارهای هنری و نقش و نگارهاست یا فایدهٔ دیگری هم دارد؟



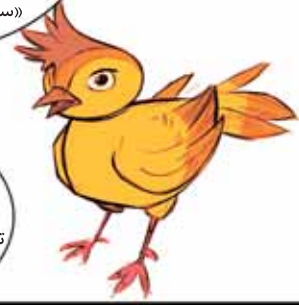
مثلاً یکی از ترسیم‌هایی که در کتاب بوزجانی آمده است، مربوط به ساخت آینه‌های سوزان است







آینه سوزان یک آینه مقعر است که با جمع کردن نور خورشید در یک نقطه، آتش ایجاد می کند. برای اینکه این آینه درست کار کند باید به صورت ویژه ای که به آن «سهمی» گفته می شود، ساخته شود



بوزجانی یک روش ابتکاری برای ساخت این آینه ها دارد که یک ترسیم پیچیده است. او این روش را در همین کتاب توضیح داده است



بچه ها اینجا را ببینید! به این چور جاها می گویند: کوچه باغ!



یکی از نویسندگان مشهور فرانسوی به نام «آندره ژید» می گوید: و کوچه باغ های نیشابور... افسوس که من آنها را نخواهم دید



توی کوچه باغ های نیشابور!

شما کجا بودید؟

# زندگی بدون قند شیرین تر است

محمدعلی قربانی

## قند کجا می رود؟

قند مستقیم وارد جریان خون می شود و چندین عضو مختلف بدن هنگام عبور قند همراه جریان خون، آن را جذب و مصرف می کنند. مقداری از قند هم به شکل گلیکوژن در کبد ذخیره می شود. باقی مانده آن نیز به چربی تبدیل می شود و در بافت چربی جای می گیرد.

## چربی کجا می رود؟

کبد مقداری از چربی را می سوزاند، مقداری را به مواد دیگر (هم چون کلسترول) تبدیل می کند و بقیه را هم بسته بندی می کند و به بافت چربی می فرستد تا در آنجا ذخیره شود.



۵ حبه قند  
خوشه انگور



۶ حبه قند  
پرتغال



۳ حبه قند  
یک برش طالبی

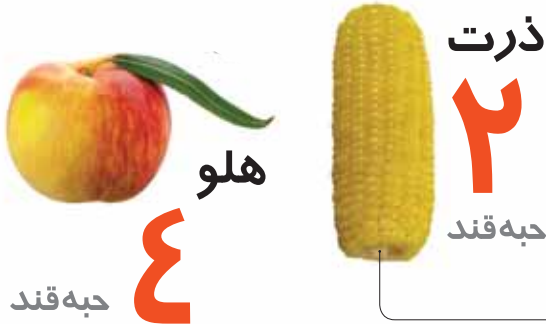


بهتر است بدانید در بسیاری از متون علمی از شکر و نمک به عنوان دو سم سفید نام برده شده است. پس دقت کنید، این سم های به ظاهر خوش طعم را بیهوده وارد بدن خود نکنید.

این روزها به هر دید و بازدیدی که می رویم، شیرینی و آجیل برای پذیرایی از مهمانان نوروزی مهیاست، اما اگر بخواهیم در هر مهمانی شیرینی و آجیل بخوریم، شیرینی این ایام می تواند به تلخی بدل شود و دچار اضافه وزن و مشکلات گوارشی شویم. جالب است بدانید در همین شب نشینی ها، افراد بیشتر از چند برابر حالت عادی کالری دریافت می کنند که این افزایش دریافت کالری به همراه کاهش فعالیت فرد در این ایام، خطر ابتلا به چاقی و بیماری های وابسته به آن را چند برابر می کند. بیایید به سر نوشت گونه های مختلف مواد غذایی نگاه کنیم.

### در یک

رژیم غذایی سالم شما می توانید ۵۰ تا ۵۵ درصد از انرژی روزانه خود را از مواد کربوهیدراتی تامین کنید. این کربوهیدرات ها باید از سبزی و میوه ها تامین شود نه از قندهای؛ چون قند معمولی، شکر، شیرینی و... اکثر قندها در طبیعت وجود دارند. بعضی از آن ها ساختار بدن و سلول های زنده را تشکیل می دهند و برخی طبیعت را می سازند. با این توضیح کوتاه بیایید با مقیاس حبه قندی، قند موجود در خوراکی های روزانه خود را اندازه کنیم.



۱۹  
بوجان  
۱۳۸۰

شیرینی کمتر، جوش کمتر  
بسیاری از جوانان و نوجوانان در بهترین دوره  
زندگی‌شان با ضایعات پوستی، به نام جوش‌های  
غرور جوانی یا آکنه درگیری دارند. برای  
پیشگیری از بروز این جوش‌ها، راه‌های گوناگونی  
توصیه شده بود، اما نقش تغذیه چندان پررنگ  
نبود. حداکثر توصیه تغذیه‌ای پزشکان در این  
باره این بود که اگر فکر می‌کنید با خوردن  
غذایی بیشتر جوش می‌زنید، آن غذا  
را از رژیمتان حذف کنید.



محققان استرالیایی به این نتیجه رسیده‌اند که اگر شما  
خوراکی‌های شیرین، مثل قند و آب‌نبات بخورید، بلافاصله قند  
خونتان بالا می‌رود. اما اگر کربوهیدرات‌های پیچیده‌تر؛ یعنی  
خوراکی‌های پر فیبر مصرف کنید مدت زمانی طول می‌کشد  
تا این مواد به قندهای ساده تجزیه شوند و بنابراین قند خون  
بعد از گذشت زمان بیشتری و به تدریج افزایش می‌یابد. قند  
اضافی در خون به طور موقت در جوش‌ها ذخیره می‌شود.



**Teacher:** what would happen if there is a third world war.

**Student:** That would be horrible.

**Teacher:** why?

**Student:** There would be one more lesson added in our history book.

**Teacher:** Who is smart? Put up your hand. Then all the students except Amir raise their hand.

**Teacher:** Amir, why aren't you raising your hand?

**Amir:** Because if I raise my hand then you'll be all alone.

"How are you getting on with your exams?"

"Not bad. The questions are easy enough – it's the answers I have trouble with!"



## ALPHABETIC VEHICLES WORD LIST

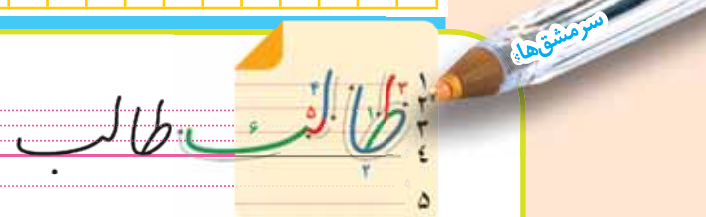
**Subway**, **GARBAGE TRUCK**, **HELICOPTER**, **TANK**, **UNICYCLE**, **LINER SHIP**, **LUXURY CAR**, **OLDSMOBILE**, **BICYCLE**, **ZEPPELIN**, **CARRIAGE**, **KAYAK**, **JEEP**

**Alphabet Vehicles Word Search Puzzle**

T	E	H	S	E	R	R	E	T	H	G	I	E	R	F
E	L	E	A	U	R	E	X	T	R	A	I	L	T	N
W	I	G	A	R	B	A	G	E	T	R	U	C	K	A
I	B	A	C	E	A	W	S	W	M	A	N	Y	C	S
Y	O	I	T	A	N	K	A	Y	B	K	A	C	U	S
H	M	R	C	I	C	G	Y	Y	P	C	C	I	R	I
E	S	R	L	Y	O	E	S	W	H	E	V	N	T	N
L	D	A	O	N	C	R	L	T	D	W	E	U	M	A
I	L	C	R	A	I	L	R	O	A	D	H	J	A	I
C	O	Y	I	D	T	S	E	U	Q	E	I	T	E	R
O	H	R	A	N	P	O	L	I	C	E	C	A	R	P
P	D	U	M	P	T	R	U	C	K	M	L	O	C	L
T	T	X	O	R	N	I	L	E	P	P	E	Z	E	A
E	C	U	M	I	N	I	V	A	N	A	R	S	C	N
R	E	L	E	E	H	W	N	E	E	T	H	G	I	E



خوش نویسی با خودکار  
برای آن‌هایی  
که می‌خواهند با خط  
خرچنگ و قورباغه  
خداحافظی کنند.  
ادامه شماره قبل





# زیر لباس لطیف

محمود پوروهاب تصویرگر: وحید خاتمی

۲۰

بوجوان

اسفند ۱۳۹۰

لباسش زیباست و فرش‌های گران‌قیمت و پرده‌های رنگارنگ دارد.» داخل خانه که شد، همه جا ساده بود. وارد اتاق امام شد و سلام کرد. امام به احترام او از جا برخاست و حالش را به گرمی پرسید. کامل گوشه‌ای نشست. نگاهش اتاق را جست‌وجو کرد. اتفاقی فقیرانه بود که با چند حصیر پوشیده شده بود. تعجب کرد و با خود گفت: «مردی لباس لطیف می‌پوشد و خانه‌ای فقیرانه دارد، جور در نمی‌آید! آه! این هم نوعی خودنمایی و فریب‌دادن مردم است.»

امام دوباره با لبخند حالش را پرسید. با نگاه سرد جواب داد: «خوبم آقا! خوبم.» و دوباره به لباس تازه امام خیره شد. امام همه چیز را در نگاه کامل خواند. می‌دانست کامل مردی درویش و صوفی است. از آن دسته کسانی که فکر می‌کنند، از نظر اسلام باید همیشه لباس کهنه پوشید و فقیرانه زندگی کرد. امام گفت: «ای پسر ابراهیم! جلوتر بیا!»

کامل جلو رفت. امام در حالی که خنده بر لب داشت، آستین پیراهن سفیدش را بالا زد. آه، چه می‌دید! امام لباس تیره و زبری زیر لباس روشن و لطیف پوشیده بود. در حالی که او خودش لباس نازک و لطیفی زیر لباس زبرش پوشیده بود تا بدنش آزار نبیند.

امام گفت: «ای پسر ابراهیم، لباس تیره و خشن برای خداست.» و لباس سفید را روی آن کشید و گفت: «این هم برای شماست.»

«کامل بن ابراهیم» از خجالت سرخ شد و از امام عذرخواهی کرد. پی‌نوشت: اصول کافی، جلد دوم

کامل از تعجب دهانش باز ماند و پشت به دیوار کرد. چشم‌هایش را بست و با خود گفت: «نکند آن‌چه می‌بینم اشتباه است؟ اما، نه خودش هست!» چشم‌هایش را باز کرد. آری، خودش بود و آن که پا به پای او می‌رفت، خدمت‌کارش بود. دنبالشان به راه افتاد. آن دو به مسجد رفتند. کامل نیز داخل شد. چند نفر نماز می‌خواندند. امام حسن عسکری (ع) و خدمت‌کارش نیز مشغول خواندن نماز شدند. نزدیک شد و پشت سر امام نشست و به لباس امام خیره شد.

چه لباس زیبایی! چشم را می‌زند. خودش لباس نرم و زیبا می‌پوشد، آن وقت ما را به برادری و زندگی ساده دعوت می‌کند! آه! همه‌اش دروغ است. حتماً دور از چشم مردم غذای چرب هم می‌خورد. آیا چنین شخصی می‌تواند جانشین پیامبر باشد؟ نه، نه، کامل تو فریب خورده‌ای. حالا که این طور است باید با او صحبت کنی، اما این جا نه، بهتر است به خانه‌اش بروی.

کامل بلند شد و نماز خواند. هنوز نمازش تمام نشده بود که دید امام همراه خدمت‌کارش از مسجد بیرون رفت. او هم پس از نماز از مسجد خارج شد. هوا هنوز گرم بود. راه را خوب می‌شناخت. از چند کوچه رد شد. جلوی خانه امام ایستاد. کوبه در را چند بار به صدا در آورد. کسی در را باز کرد. همان خدمت‌کاری بود که امروز همراه امام دیده بود. خدمت‌کار سلام کرد. وقتی چهره ناراحت و در هم کامل را دید، پرسید: «آقا اتفاقی افتاده؟»

کامل گفت: «با او کار دارم، با اربابت.» خدمت‌کار از رفتار کامل خوشش نیامد. از جلوی او کنار رفت. کامل داخل شد. با خود گفت: «حتماً خانه‌اش هم مثل

# شک درخت جزیره

عباس جهانگیریان  
تصویرگر: مجید صالحی

پیر درخت، با دست‌های سبز و بلندش که همیشه رو به آسمان دراز بود، ابرهای گذرنده از آسمان جزیره را نگه می‌داشت تا سهم باران جزیره را بدهند و بعد بروند. لابه‌لای شاخه‌های پر برگ و انبوه پیر درخت، پر از لانه پرنده بود. آرش، پسر ایران بانو، همه روز را بالای پیر درخت، در خانه کوچکی که برای خود ساخته بود، می‌نشست و از دخیل‌ها و نذر و نیازهای زائران مراقبت می‌کرد. روزها بیرون آمدن جوجه‌ها را از تخم‌ها تماشا می‌کرد و شب‌ها ستاره‌های جزیره را می‌شمرد. آن‌قدر با درخت، هم نفس بود و به او خو گرفته بود که چشم‌ها، لباس‌ها و دلش هم، رنگ برگ گرفته بود و این هم‌رنگی با درخت، او را از چشم‌ها می‌پوشاند. از سراسر جزیره، مردم نزد پیر درخت می‌آمدند و آرزوهایشان را در نوار پارچه‌ای تبرک شده‌ای گره می‌زدند و به شاخه‌ای از

در دامان باد افتاد. پیر درخت لخت و عور شد. دیگر پرنده‌ای در لانه‌ها نبود. دیگری ابری بر آسمان جزیره نبارید و تشنگی درد مشترک همه ساکنان جزیره شد.

نجارها آمدند و درخت را با اژه تکه تکه کردند؛ هزار هزار تکه. با مرگ پیر درخت، دیگر آرزویی برآورده نشد. سایه‌ای نبود، خضر پا به جزیره نگذاشت و خشک‌سالی بر جای جای جزیره سایه انداخت.

دیگر دست‌های بلند پیر درخت نبود تا ابرهای گذرنده را بدو شد. ریشه‌هایش که مثل هزارها پنجه محکم، خاک جزیره را در چنگ گرفته بود، کم کم از هم واگشت و خاک جزیره آرام آرام در دل آب دریا رها شد. هر روز جزیره کوچک و کوچک‌تر شد. چند سال بعد پیرزن دوباره دست نوه‌اش را گرفت و نزد پیر درخت آمد؛ این بار نه برای نوه‌اش چهارچشم، آمد تا از درخت بخواهد جزیره را نگه دارد، اما وقتی اثری از آن درخت بزرگ و پهناور ندید، دلش از غصه قلمبه شد و چشم‌هایش پُف کرد از اشک.

چهارچشم، اندام درخت را در لابه‌لای اژه‌ها و تبرها دید که به دست نجارها تکه تکه می‌شد.

آرش روی یکی از کُنده‌های بریده درخت، نشسته بود و های های گریه می‌کرد.

چهارچشم از آرش پرسید: «این‌ها چرا با اره و تبر افتاده‌اند به جان این درخت؟»

آرش گفت: «درخت خشکیده جز به کار نجار و اجاق نمی‌آد!»

چهارچشم پرسید: «چرا پیر درخت خشکید؟»

آرش با بغض به نوشته‌ها و خط دُرُشت یادگاری‌ها و ضربه‌های

کارد در جای جای تنه درخت اشاره کرد.

نگاه چهارچشم هم روی نگاه آرش و نوشته‌های پیکر درخت

نشست: «این‌ها یادگاری من است.»

شاخه‌های انبوه پیر درخت می‌بستند، سبز، زرد، بنفش، سپید، صورتی، قهوه‌ای ...

آرش از بالای درخت، لب‌هایی را می‌دید که تکانی می‌خورد و دست‌هایی را که قفل یا نوار پارچه‌ای رنگینی را به شاخه‌ای از شاخه‌های پهناور درخت گره می‌زد.

در میان زائرانی که برای زیارت پیر درخت می‌آمدند، بودند کسانی که نذر و آرزویشان را با صدای بلند به پیر درخت می‌گفتند. گوش آرش پر بود از این راز و نیازها. او از پیر درخت آموخته بود که رازدار باشد. از این گوش می‌شنید و از آن گوش به در می‌کرد. تا این که روزی از روزهای گرم تابستان، پیرزنی همراه با نوه‌اش که هم سن و سال آرش بود، نزد پیر درخت آمد. از لابه‌لای شاخه‌ها، از راه‌های کم برگ و از جایی که نور خورشید عبور می‌کرد، چشم به آسمان دوخت و گفت:

«ای پیر درخت! تو را به جان حضرت خضر که می‌گن پنجشنبه‌ها زیر سایه‌ات می‌شینم و عبادت می‌کنم، قسم میدم که این نوه شر و سرکش من، که چون آدم و چرنده و پرنده رو به لب آورده، هر چه زودتر سر به راه بشه و از خر شیطون بیاد پایین.»

پیرزن، نوار سبز نذرش را به درخت گره زد و رفت.

نوه، همان موقع که مادر بزرگش، دست رو به آسمان برده و برای به راه آمدن او دعا می‌کرد، چاقوی تیزش را در تن درخت فرو برد و با کندن پوست پیر درخت، روی آن نوشت: «این یادگاری من است.»

پسر دو خال سیاه درشت بالای ابروهایش داشت؛ طوری که انگار چهارچشم دارد. نامش هر چه بود آرش او را چهارچشم نامید! چهارچشم، چاقوی تیزش را محکم به تن درخت فرو می‌کرد و باریکه‌ای از پوست درخت را بیرون می‌کشید. هر ضربه‌ای که به تن درخت می‌زد، درخت ناله‌ای سر می‌داد و آهی می‌کشید. آهش را جز آرش و پرنده‌ها کسی نمی‌شنید. آرش می‌خواست به چهارچشم اعتراض کند، اما از برق چاقویش، ترس به دل گرفت و زبان در دهان تلخ و خشکش نگشت.

چهارچشم با چاقو، جای تنه درخت نوشت: «این یادگار من است.» دیگر جایی در تنه درخت نبود تا یادگار چهارچشم در آن حک نشده باشد.

وقتی دید دیگر جایی برای نوشتن یادگاری در تن درخت نمانده است، تنه درخت را هدف گرفت آن قدر چاقو را پرتاب کرد تا تن درخت مثل آبکش سوراخ سوراخ شد. دیگر این کار هر روز چهارچشم شده بود.

ناله‌های پیر درخت را پرنده‌ها می‌شنیدند، باد و خاک می‌شنید اما چهارچشم نمی‌شنید.

سالی گذشت و سالی دیگر. برگ‌های درخت کم کم زرد شد و





# کازرون

شهر سلمان فارسی

زهرة کریمی

عکس: هاتف همایی

از تاریخی‌ترین شهرهای استان فارس است که در زمان ساسانیان و به دستور شاپور اول بنا شد. کازرون زادگاه بزرگان زیادی؛ مانند علامه جلال‌الدین محمد دوانی کازرونی (دانشمند دوره تیموریان)، علامه قطب‌الدین محمود کازرونی (کاشف رنگین‌کمان و از بزرگان نجوم، ریاضیات و فیزیک دوره ایلخانان) و نصرالله مردانی (شاعر معاصر) است. برخی کازرون را زادگاه سلمان فارسی از صحابه رسول اکرم (ص) دانسته‌اند. نمدمالی، حصیربافی، گیوه‌دوزی، دولچه (ظرف مخصوص نگهداری آب) و فرش‌بافی از صنایع دستی این شهر هستند.

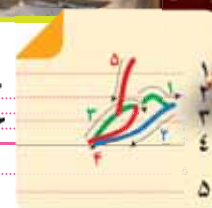
۲۴

بچه‌ان اسفند ۱۳۹۰

مسجد جامع



خط



سرمشق‌ها



**غار شاپور**

در انتهای تنگ چوگان غار بزرگی هست با دهانه‌ای حدود سی متر که مجسمه شاپور به ارتفاع شش متر در دهانه آن قرار دارد.

**تنگ چوگان**

روبه روی بیشاپور میان دو کوه قرار دارد و رودخانه شاپور از آن عبور می‌کند. به این علت که شاهان ساسانی در آن چوگان بازی می‌کردند به این اسم نامیده شده است. شش نقش برجسته در دل کوه‌های اطراف آن کنده کاری شده است. پیروزی شاپور اول بر روم یکی از این نقش برجسته‌هاست.

**ستون‌های یابود شهر**

دو ستون در داخل بیشاپور قرار دارد به خط اشکانی و ساسانی که تاریخ ساخت شهر و معماری آن را بیان می‌کند

**شهر بیشاپور**

در نزدیکی کازرون، در کنار جاده شاه‌ی-راهی که تخت‌جمشید را به شوش در دوره هخامنشیان و به تیسفون در دوره ساسانیان وصل می‌کرد - به دستور شاپور اول به عنوان پایتخت زمستانی ساخته شد. امروزه ویرانه‌هایی از آن باقی مانده است. شهر بیشاپور از دو قسمت کاخ سلطنتی و قسمت عامه‌نشین تشکیل شده بود.

**تالار تشریفات**

از بزرگ‌ترین بناهای بیشاپور که برای پذیرایی از مهمان‌ها در جشن‌ها استفاده می‌شده است.

# گلچین

## سینه‌ریز اشک

ای مایه تمام غرور سه‌ساله‌ها  
یاد آور تو، چشم نمور سه‌ساله‌ها

تا در خیال، خاطره‌ات خیمه می‌زند  
پی می‌برم به قلب صبور سه‌ساله‌ها

تو از لبان سرخ پدر بوسه چیده‌ای  
از بوسه داغ مانده تنور سه‌ساله‌ها

در تنگنای خاطره مردمان شام  
بر جای مانده رد عبور سه‌ساله‌ها

در شام، یادگار علی بین خطبه‌ها  
تأکید می‌کند به حضور سه‌ساله‌ها

با داغ یاد روی تو، تنها سه شاخه یاس  
باید گذاشت روی قبور سه‌ساله‌ها

باید به یاد سینئه تو سینه‌ریز ساخت  
با اشک‌های مثل بلور سه‌ساله‌ها

بگذار شاخه‌شاخه گل اشک بشکنند  
وقتی شکسته است غرور سه‌ساله‌ها  
مصطفی شمسی زارع / قم

## در انتظار آبی

آسمان، سیاه و زمین سیاه  
قلب‌ها تپیدن را

و آسمان آبی‌بودن را از یاد برده است  
دیگر کسی نمی‌تواند

سادگی را به آسمان تشبیه کند  
شب است اما

از تاریکی بیمی ندارم  
سال‌هاست که در تاریکی راه می‌پیمایم و

چشم‌هایم مثل جغدی تیزبین شده  
سال‌هاست

به امید روشنایی زندگی می‌کنم  
تا شاید روزی

باز هم آسمان را آبی ببینم  
نمی‌دانم کی

اما می‌دانم که چشم‌ها آن‌روز  
به دیدار کسی منور خواهد شد

که آلاله‌ها را  
به عشق خود منتظر گذاشته است!

زهره جعفری فرد / قائم‌شهر

# زیر ذره بین

## زیر ذره بین

از یاد خدا مباش غافل  
لغزان مشو به راه باطل  
هر لحظه به یاد او وضو کن  
در هستی او تو جست و جو کن  
نومید مباش ز رحمت او  
هر گز تو مگو که سهم من کو؟  
سهم تو همین است و شکر کن  
و ز درگه او همی نظر کن  
دل بستگی جهان نشاید  
هر کس به جهان دری گشاید  
از حرص و طمع همیشه کم کن  
خدمت به بشر همیشه دم کن  
دنیا گذران و عمر فانی است  
ره توشه این جهان جوانی است

نغمه منصوره بروجنی  
از چهار محال و بختیاری

۱ اولین نکته راجع به شعرت، نداشتن نام است. درست است که بعضی شاعران به دلایل مختلف - که چندان هم منطقی نیستند - از گذاشتن نام برای شعرشان پرهیز می کنند، اما خوب است که به توانایی لازم برای انتخاب یک نام موفق و جذاب دست پیدا کنی. بعد می توانی درباره گذاشتن یا نگذاشتن اسم برای شعرت تصمیم بگیری.

۲ شعرت نشان می دهد که تا حدود زیادی با وزن عروضی و قافیه و ردیف آشنا هستی؛ با این حال کلمه هایی که به شکل سیاه مشخص شده اند، به دلیل نگنجیدن در وزن به رنگ غیر متعارف تلفظ می شوند! یک شاعر موفق کلمه ها را به همان شکل طبیعی در شعرش می آورد؛ برای مثال نمی توان خواننده شعر را مجبور کرد که «شکر» را «شکر» بخواند. برای دست یابی به چنین توانایی باید تمرین های مستمر روی وزن داشته باشی.

۳ گذشته از این ها، در مصرع پنجم وزن را درست رعایت نکرده ای و کلمه «ز» خارج از وزن است.

۴ شعر بیان حرف های عادی و نصیحت وار نیست. یک شعر موفق معمولاً با خیال و خیال پردازی همراه است و همین موجب جذابیت و تأثیر گذاری آن می شود. خیلی خوب است که از توانایی ات در موزون و مقفی کردن حرف ها در این راه استفاده کنی و سعی کنی حرف هایت را با استفاده از بیانی متفاوت به روی کاغذ بیاوری.

موفق باشی!



# برگزیدگان

دوستان نوجوان، حتماً به یاد دارید که در شماره یک رشد نوجوان امسال (مهرماه ۱۳۹۰) از شما دعوت کرده بودیم در مسابقه‌ای که موضوع آن «فریب» بود، شرکت کنید. با تشکر از همه عزیزانی که در این مسابقه شرکت کردند، اسامی برگزیدگان به ترتیب زیر است:



با تشکر از این دوستان که ایده‌های جالبی داشتند:

۱. کوثر یوسفی / اردستان
۲. علی جعفری زاده / بوشهر
۳. حسین مشایخیان / تهران
۴. یلدا مهر تک / تهران
۵. محدثه حمزوی / تهران
۶. فاطمه رحیم شکوه / تهران
۷. محمدرضا شفیعی / دلیجان
۸. حکیمه رضانی دارابی / ساری
۹. الهام دوستی / فلاورجان
۱۰. نازیلا صدیقی / کرج
۱۱. پردیس جنتی / گلپایگان
۱۲. علی اکبر ذبیحی / مازندران
۱۳. فاطمه جعفری / مشهد
۱۴. زهرا فریدی / میمه

## رتبه اول

۱. پوریا عزیزی / ارومیه
۲. آذین شکرین / اصفهان

## رتبه دوم

۱. محدثه صدیقی / تهران
۲. ریحانه جعفری راد / تهران
۳. سمیرا احمدی فر / مراغه

## رتبه سوم

۱. حانیه صفاری / تهران
۲. غزل نبی الهی / نجف آباد
۳. فاطمه سعید / کرمان
۴. سید محمد ترابی / عجب شیر

# لبخند منظوم

قول می‌دهم به شرط قول!

قول می‌دهم که بعد از این  
توی خانه، خوب خوب  
درس‌های مشکل کتاب را  
مثل حرفه و زبان و فارسی  
توی کله‌ام فرو کنم  
مادرم! فقط  
یک معلم ریاضی و علوم و حرفه هم  
برای من بگیر!

حامد محقق



راز کوچک من

یک دماغ چاق و باد کرده  
دست‌های لاغر و دراز  
راست یا دروغ  
این منم که توی آینه  
مانده‌ام در انتهای جاده‌ی بلوغ  
داد می‌زنم:  
-با صدای گوش کرگن و کلفت-  
«دوست دارم!»  
مادرم دوباره با پیامکی  
راز کوچک مرا به خاله گفت  
مادرم! قبول کن  
دوست داشتن عجیب نیست  
آه... من ولی دوباره گوش می‌کنم  
به سوت‌های تو  
به ایست!

قلب من  
بی اجازه غرق حرف‌های عاشقانه می‌شود  
من هنوز بچه‌ام  
بچه‌ای که موقع خرید نان فقط  
مرد خانه می‌شود!

مریم هاشم‌پور



شیرینی کاملاً ایرانی

# گَز

مهدی قزلارسلان

۳۰

نوجوان  
استاد ۱۳۹۰

بر اثر نیش این حشره  
از شاخه‌ها گز انگبین  
ترشح می‌شود.



درخت گز در بهار



## ● گز چیست؟

تا کنون حدود ۳۰ گونه درخت گز شناخته شده است که معروف‌ترین آن‌ها «گز انگبین» است. این درخت در مناطق کویری و شوره زارهای اطراف اصفهان، خوانسار و برخی مناطق استان چهارمحال و بختیاری از جمله کوه‌های اطراف بلداجی به فراوانی می‌روید. در اثر نیش نوعی حشره شیره‌ی شیرینی از این درخت ترشح می‌شود که به آن گز انگبین می‌گویند. و از آن در گزسازی استفاده می‌شود. تولید گز در کشورمان سابقه ۴۵۰ ساله دارد و در زمان آقا محمدخان قاجار به عنوان اولین صادرات ایران به جهان عرضه شد.

گز ایران، هنوز به بسیاری از کشورهای جهان صادر می‌شود و در آمد زیادی برای کشور دارد. گز از معدود شیرینی‌هایی است که در آن از آرد، نشاسته، مواد شیمیایی و روغن استفاده نمی‌شود و یک شیرینی کاملاً ایرانی است. ترکیبات گز عبارتند از: گز انگبین، شکر، گلوکز مایع، انواع مغزها چون پسته و بادام، سفیده تخم مرغ، گلاب و عرق بیدمشک. گاهی از شیره ترنجبین یا شیرخشت هم برای تهیه گز استفاده می‌شود.

## ● گز چگونه درست میشود؟

گز انگبین را در آب داغ (زیر نقطه جوش) حل می‌کنند و از صافی عبور می‌دهند. سپس سفیده تخم مرغ و گلاب را به آن می‌افزایند و حدود ۲۰ دقیقه حرارت می‌دهند. آن‌گاه مقدار معینی شکر و گلوکز به آن افزوده می‌شود. (گلوکز به خاطر کاستن از غلظت شیرینی شکر است.) این مواد مخلوط شده را به پاتیل‌های ساخت گز می‌ریزند و با مشعل مخصوص ۳ ساعت حرارت می‌دهند و مواد را به هم می‌زنند. حرارت باید به میزانی باشد که مواد به مرحله

نرغین



سرمشق‌ها

پاتیل مخصوص  
پخت گز



شیره شاخه‌ها  
بعد از خشک شدن،  
جمع آوری می‌شود.



بسته بندی



بفرمایید گز!

پخت نرسد. پس از آن سفیده تخم مرغ اضافه می‌شود و مدتی مشعل‌ها را خاموش می‌کنند. در غیر این صورت سفیده تخم مرغ می‌سوزد و حالت پوکی و پفی مورد نظر به دست نمی‌آید. پس از مدت کوتاهی دوباره مشعل‌ها روشن شده و دستگاه‌های همزن با دور کمتر از مرحله اول به مدت ۲ ساعت دیگر محتویات پاتیل‌ها را به هم می‌زنند تا آب سفیده تخم مرغ بخار شده و گز ساخته شود. در پایان به مقدار لازم مغز پسته یا بادام (بر اساس نوع گز) به آن افزوده شده و حدود ۵ دقیقه با گردش دستگاه‌های همزن، مغز پسته یا بادام به‌طور یکسان با مواد ساخته شده گز مخلوط می‌گردد. سپس مراحل قالب‌گیری، برش و بسته‌بندی انجام می‌شود تا به دست ما برسد.

● گلوکز متداول‌ترین قند موجود در طبیعت است که می‌توان آن را از نشاسته سیب زمینی، ذرت یا گندم به دست آورد.

### ● گز رژیمی!

در سال‌های اخیر، نوعی گز ساخته شده است که مخصوص بیماران دیابتی است و قند مضر ندارد، اگر اقوام شما بیماری قند دارند، باید از گز رژیمی استفاده کنند.

### ● نگهداری گز

گز باید در جای خشک و خنک، با دمای ۵ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد، دور از نور خورشید، گرما، بخار و مواد شیمیایی نگهداری شود. اگر آن را در پلاستیک ببیچیم و در فریزر قرار دهیم، به مدت ۶ ماه قابل مصرف خواهد بود. گزهای استاندارد تاریخ تولید و انقضا دارند که باید موقع خرید به آن توجه کنید.

۳۰

پوشان  
استند ۱۳۹۰

# گرد بافت

ترجمه: محمد علی قربانی

به لباس‌های نخی کهنه و بی‌استفاده داخل کمدتان سری بزنید. می‌توانید با آن‌ها پادری، زیرپایی، تشکچهٔ صندلی و بسیاری چیزهای دیگر ببافید.

**وسایل لازم برای بافت قالیچه:**  
فیچی  
پیراهن بی‌استفاده ده عدد  
حلقهٔ ورزشی

۳۲

بچه‌ان سنند ۱۳۹۰



**۳** حالا ما یک دار قالیچه داریم. پس یک نوار بر می‌داریم و در قسمت مرکز نوارها آن را گره می‌زنیم. باید دو لایه نوار را با هم بگیریم.



**۲** ابتدا یازده نوار را مثل پره‌های دوچرخه دورتادور حلقهٔ ورزشی گره می‌زنیم.

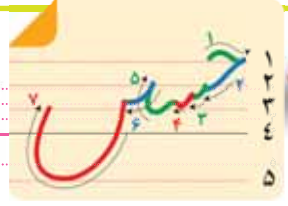


## مراحل کار

**۱** پیراهن را به صورت نوارهایی با عرض ۲/۵ سانتی‌متر تا زیر قسمت آستین می‌بریم. برای بافت قالیچه پنجاه نوار لازم داریم. (از آستین لباس می‌توانیم در بافت مبدأ استفاده کنیم.)



حسین







**۷** حالا بندهای دار قالی را یکی یکی می‌بریم و گره می‌زنیم. می‌توانیم از تکه‌های آستین لباس با استفاده از حلقه‌هایی در اندازه‌های مختلف، بافتنی‌های جدید و ابتکاری ببافیم. مثل تشکچهٔ صندلی یا سبد.



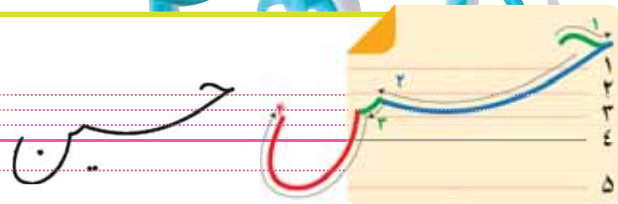
**۶** وقتی قالیچه به اندازهٔ دلخواه ما رسید. از وسط نوار را قیچی می‌کنیم و دو سر آن را به یکی از نوارهای دار گره می‌زنیم.



**۵** وقتی قطر بافت ما حدود ۲۵ سانتی‌متر شد، باید دو نوار را از هم جدا کنیم و یک بار نوار رو را ببافیم و یک بار نوار زیر را. این کار ضخامت قالیچه را بیشتر می‌کند.



**۴** حالا آن را یکی از زیر و یکی از رو به صورت زیگ‌زاگ از میان نوارها رد می‌کنیم و به طرف وسط جمع می‌کنیم.



# ارباب حلقه‌ها

## رکورد شکن مسلمان NBA

مهدی زارعی

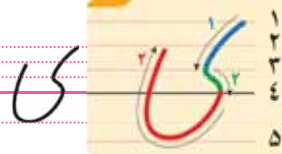
### کشور بسکتبال خیز

بسکتبال یکی از سه ورزش اصلی ایالات متحده است که «جیمز نایسمیت» آن را در سال ۱۸۹۱ اختراع کرد. از آن زمان بسیاری از جوانان آمریکایی و کانادایی به آن رو آوردند و زمینه شکل‌گیری معتبرترین لیگ بسکتبال دنیا (NBA) را فراهم کردند. رفته رفته، مردم به حدی به این ورزش علاقه‌مند شدند که در تمام شهرهای ایالات متحده، زمین‌های بسکتبال خیابانی یکی پس از دیگری ساخته شدند و استعدادهای بزرگ NBA از دل همین زمین‌ها بیرون آمدند. «فردیناند لوپس آلسیندور جونور» یکی از این ستارگان بود که نام خود را در تاریخ بسکتبال جاودانه کرد.

۳۴

نوجوان  
استند ۱۳۹۰

سر مشق‌ها





### بازیگر سینما

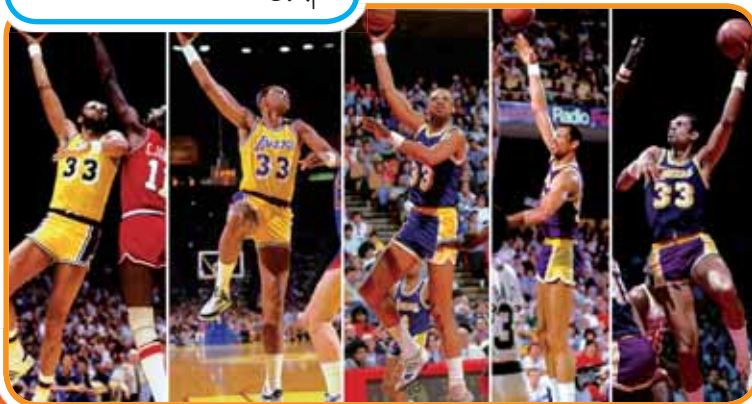
عبدالجبار در سال‌های اوج خود، بازی در سینما را هم تجربه کرد. او برای بازی در فیلم «بازی مرگ» فنون رزمی را از «بروس لی» هنرپیشه فقید آموخت و با وی هم‌بازی شد.

### بسکتبالیست محله منهن

فردیناند در ۱۶ آوریل ۱۹۴۷ چشم به جهان گشود. هر چند که سیاه‌پوست بود، اما برخلاف بسیاری دیگر از ستارگان سیاه‌پوست، از محله هارلم به اوج نرسید. بلکه از منهن - محله ثروتمندان نیویورک - نامی برای خود دست و پا کرد. فردیناند برای اولین بار سال ۱۹۶۵ پیراهن تیم بسکتبال دانشگاه UCLA را به تن کرد و چهار سال برای دانشگاه خود درخشید. پس از پایان دانشگاه، تیم‌های بزرگی از NBA برای به خدمت گرفتن بازیکن میانی و صاحب پیراهن شماره پنج UCLA با هم رقابت می‌کردند. تیم «هارلم گلوبتروترز» پیشنهادی یک میلیون دلاری به فردیناند داد، اما او این پیشنهاد را نپذیرفت و در سال ۱۹۶۹ به تیم «میلواکی باکر» ملحق شد.

### درخشش در NBA

حضور در NBA در ۲۲ سالگی افتخاری بزرگ هر بسکتبالیستی است، اما فردیناند از همان آغاز، چشم‌ها را خیره کرد. او در کسب امتیاز و ریباند نفر دوم لیگ شد. فصل ۷۱ - ۱۹۷۰، فصلی رؤیایی برای فردیناند بود و او با کسب عنوان بهترین بازیکن فصل، جایزه MVP را از آن خود ساخت.



### در کنار «مجیک»

در سال ۱۹۷۵ بزرگ‌ترین انتقال فصل لیگ بسکتبال انجام گرفت و عبدالجبار با پیوستن به تیم «لس آنجلس لیکرز» تمام افتخارات را از میلواکی به لس آنجلس انتقال داد. کریم در کنار «اروین جانسون» که به «مجیک» قهرمان معروف بود، روزهایی طلایی را برای لیکرز رقم زدند و رکوردهایی حیرت‌انگیز به جای نهادند.

### آغاز راهی جدید

اول ماه می ۱۹۷۱، روزی درخشان برای فردیناند بود و بسکتبالیست ۲۱۸ سانتی‌متری تیم میلواکی اولین قهرمانی در NBA را تجربه کرد. اما اتفاق بزرگ‌تر به فاصله یک روز بعد رخ داد. کسانی که فردیناند را چندان نمی‌شناختند، وقتی او را از نزدیک دیدند، متوجه تغییر خاصی نشدند، ولی وقتی فردیناند پشت به آن‌ها کرد، دیگر اثری از فردیناند آلسیندور قهرمان دیده نمی‌شد! بلکه پشت پیراهن او نوشته شده بود «کریم عبدالجبار»، ستاره NBA با مطالعه قرآن تصمیم گرفته بود به اسلام روی آورد. دو سال بعد او به لیبی و عربستان سعودی سفر کرد تا با زبان عربی آشنا شود و درک بیشتر و عمیق‌تری از دین جدید خود پیدا کند. اکنون او نیز مثل بسیاری از مردان سیاسی و ورزشی آن روزهای آمریکا، نماینده‌ای برای جامعه سیاهان و جهان اسلام به شمار می‌آید.



### ☀ سهراب، سهرورد

سهراب، سور، سرخ، سهرورد، چهارشنبه‌سوری و سوردادن از ریشهٔ «سُخر» به معنی رنگ سرخ هستند. از آن جا که تلفظ سُخر دشوار بوده است در طول زمان به سرخ، سور و سُهر تبدیل شده است. پس سهراب؛ یعنی سرخ روی. تهمینه همسر رستم وقتی فرزندش به دنیا آمد او را سهراب نامید؛ زیرا پسری سرخ روی بود.

سهرورد نیز به معنی جایی است که گل سرخ دارد. سرخی، رنگ شادی و جشن است، به این سبب مهمانی گرفتن را سوردادن نیز گفته‌اند. در چهارشنبه‌سوری نیز واژه سور به معنی سرخ به کار رفته و با سرخی آتش پیوند دارد.

### ☀ بلبشو

هنگامی که اوضاع آشفته است و هر کس به فکر خویش است، از این واژه استفاده می‌کنیم که در اصل بِل و بِشو به معنی بگذار و برو است.

بِهل از مصدر «هلیدن»؛ یعنی گذاشتن و بشو از مصدر «شدن» به معنی رفتن است.

### ☀ الکی

الک وسیله‌ای شبیه غربال است با سوراخ‌های ریزتر که از سیم‌های باریک بافته می‌شود. در گذشته وقتی به الک دسترسی نداشتند، پارچه‌های بسیار نازک پنبه‌ای را به چوب

وصل می‌کردند و آرد یا چیزهای نرم دیگر را برای بیختن از آن رد می‌کردند. این نوع الک مانند نوعی سیمی آن مقاوم نبود و پس از مدتی از میان می‌رفت. بعدها واژه الکی به شکل کنایه در آمد و نماد سستی و کم دوامی شد.

### ☀ حقه‌باز

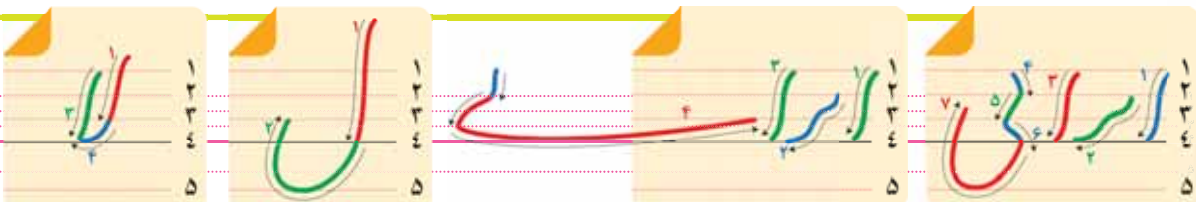
از ترکیب حقه (جعبهٔ ویژهٔ نگهداری چیزهای با ارزش) + باز به معنی چیره‌دست در بازی و جابه‌جایی حقه‌ها. در گذشته تردست‌ها با چند حقهٔ رنگارنگ کارهایی می‌کردند که مایهٔ شگفتی تماشاگران می‌شد. این واژه بعدها بار منفی گرفت و امروزه مترادف «فریب‌کار» است.

### ☀ پیشوند «دش»

این پیشوند در چند واژهٔ کهن فارسی به معنی بد استفاده شده است؛ دش‌نام (دش + نام)؛ یعنی نام بد، دشمن؛ یعنی دارای منش بد و دشخیم معادل بدخیم که امروزه دَرخیم می‌گوییم.

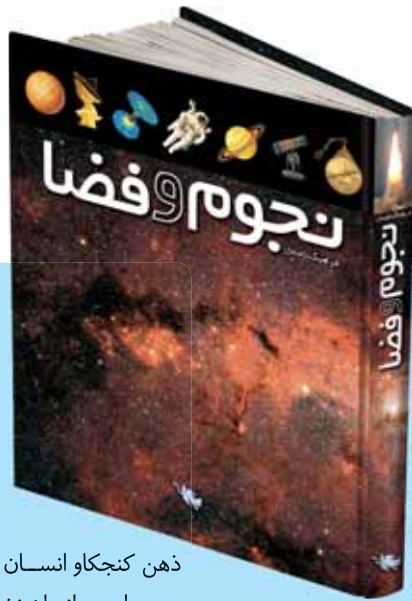
### ☀ هندوانه

در گذشته‌های دور هندوانه در ایران نبود و زمانی که از هندوستان به ایران وارد شد به آن خربزه هندوانه (خربزه هندی) گفتند؛ به عبارت دیگر هندوانه آمیزه‌ای از هندو + انه است که «انه» نشانهٔ صفت نسبی در فارسی است؛ مانند پسرانه و دخترانه.





لیلا جلیلی

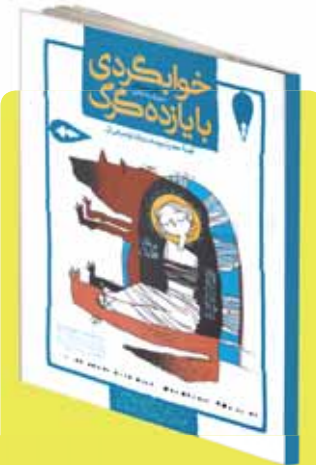


نویسندگان: هیتر کوپر، نایجل هنبست  
 مترجم: بابک امین تفرشی و همکاران  
 ناشر: طلایی (۱۵۷۵ - ۸۸۸۱ - ۰۲۱)  
 چاپ دوم: ۱۳۹۰  
 قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال  
[www.talae.ir](http://www.talae.ir)

ذهن کنجکاو انسان همواره به دنبال کشف رازهای آسمان شب بوده و است. انسان نخستین به این نیاز خود با اختربینی و طالع بینی پاسخ می‌داد. به مرور اخترشناسی علمی با ابزارهای دقیق و پیشرفته رصدی دقیق را امکان پذیر ساخت و انسان برای یافتن پاسخ پرسش‌های بنیادین خود به این علم جلب شد. آیا ما در کیهان تنها هستیم؟ در فضای بیکران جایگاه انسان کجاست؟ نمونه‌ای از هزاران پرسش ما درباره فضا هستند. اگر ذهن شما هم با این پرسش‌ها مشغول است، می‌توانید با مطالعه «فرهنگ‌نامه نجوم و فضا» با مبانی نجوم آشنا شوید و از تازه‌ترین رویدادها و یافته‌های اخترشناسی و کاوش‌های فضایی مطلع شوید. تاریخ نجوم، کاوش فضا، سیاره‌ها و قمرها، ستارگان، کهکشان و ورای آن‌ها و اخترشناسی آماتوری عنوان‌های بخش‌های این فرهنگ‌نامه هستند. این اثر همچنین شما را با اخترشناسان نامدار ایرانی آشنا می‌کند و تصاویری زیبا از آسمان ایران پیش روی شما قرار می‌دهد. گاه‌شمار نجوم و فضا، نام‌آوران نجوم و فضا، واژه‌نامه، نمایه موضوعی و کاوش در اینترنت بخش‌های انتهایی کتاب هستند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«در حدود پنج میلیارد سال آینده، ذخیره هیدروژن خورشید به پایان می‌رسد. در آن زمان خورشید دو برابر درخشان‌تر از اکنون خواهد بود. وقتی خورشید به غولی سرخ تبدیل شد، به شدت منبسط می‌شود. شاید از مرز زهره هم بگذرد و هزار بار درخشان‌تر از امروز شود. وقتی هم‌جوشی هلیوم آغاز شود، خورشید پایدارتر می‌شود و تا دو میلیارد سال بعد هم به صورت ستاره‌ای غول، با قطر حدود سی برابر امروزه خواهد درخشید.»

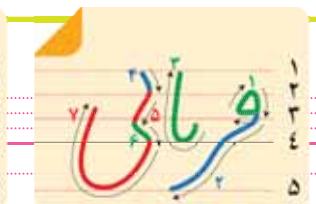
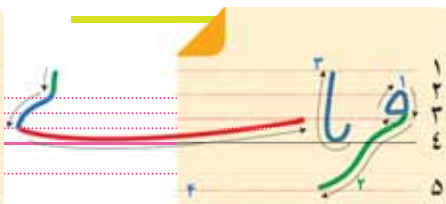
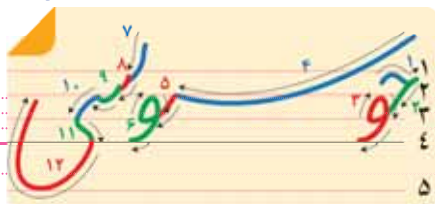


نویسنده: نقی سلیمانی  
 تصویرگر: رضا مکتبی  
 ناشر: به‌نشر (تلفن: ۸۸۹۹۵۹۴۴ - ۰۲۱)  
 چاپ اول: ۱۳۸۷  
 قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

«و برادران یوسف آمدند به حضورش رسیدند؛ آن‌ها را شناخت و آن‌ها نشناختندش. و خواربارشان را که آماده کرد، گفت: «برادر پدری‌تان را هم پیش من بیارید. نمی‌بینید که پیمان‌ها را تمام می‌دهم و چه قدر مهمان دوستم؟ اگر که او را پیش من نیاورید، پیمان‌های پیشم نخواهید داشت و به من نزدیک نشوید.»

این جمله‌های آشنا، بخشی از کتاب «خوابگردی با یازده گرگ» از مجموعه «قصه‌های قرآنی» است که قصه حضرت یوسف (ع) و برادرانش را در بردارد. این قصه چهار هزار ساله که به اعتقاد بزرگ‌ترین رمان‌نویس دنیا، تولستوی، بهترین قصه جهان است، چهل پند و عبرت را در خود جای داده است. در این کتاب علاوه بر روایت قصه به زبانی ساده، در بخش ضمیمه نقد توصیفی آن نیز آمده است. مطالعه این کتاب، برای نویسندگان نو پا بسیار مفید خواهد بود؛ زیرا ضمن نقد داستان، اطلاعات ارزنده‌ای درباره انواع قصه و عناصر داستان ارائه شده، همچنین درباره رؤیا و علم تعبیر خواب و کاربرد نماد در داستان توضیحات جالبی داده شده است.

برای تمرین بقیه سرمشق‌ها از دفتر مشق موجود در وبلاگ رشد نوجوان استفاده کنید. نشانی وبلاگ در صفحه فهرست



# زنگ

محمد عزیز پور

۱

می‌دانیم هر چیزی در اثر مجاورت با آتش گرم و سرانجام ذوب می‌گردد، اما دو چیز هستند که در اثر هم‌جواری با گرمی سخت‌تر و سفت‌تر می‌شوند، آن دو چیز کدامند؟

۲

۲. در خانه‌های خالی زیر، عددهای ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۶ و ۱۸ را طوری قرار دهید که مجموع سه عدد در ردیف‌های افقی و عمودی و قطرهای سی شود.

	۱۰	

۳

۳. مردی روزی دو بار از کوچه‌ای می‌گذرد که در آن ده درخت وجود دارد. اگر او یک ماه تمام از این کوچه عبور کند، جمعاً چند درخت را در آن‌جا خواهد دید؟

۵

۵. چهار پرنده و چهار نوع غذا با حرف (ک) نام ببرید.

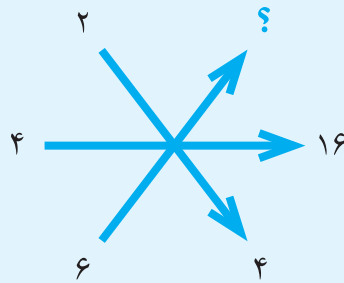
۴

۴. به جای علامت سؤال عدد مناسب قرار دهید:

۶

۶. در خانه‌های خالی شکل زیر، علامت‌های چهار عمل اصلی را قرار دهید تا حاصل برابر ۹ گردد.

→	۷		۳		۸	↓
		۱	=	۹		
↑	۵		۲		۴	←



۷. شش لیوان در یک ردیف چیده شده‌اند. سه لیوان اول پر و سه لیوان دیگر خالی هستند. آیا می‌توانید با تغییر در یک لیوان آن‌ها را طوری بچینید که یک در میان پر و خالی باشند؟

در جدول زیر، همهٔ جواب‌ها از دو طرف دارای معنی هستند. سوالات را با دقت بخوانید و پاسخ‌ها را در جدول بنویسید. در پایان حروف داخل دایره‌ها را از بالا به پایین به ترتیب بنویسید تا رمز جدول به دست آید.

پراکنده و آشکارا				○	اهل عیش و نوش
کشوری در آفریقا			○		اکنون، حالا
جمع مکسر ندیم (همدم)		○			مصدر فعل می‌آید
نام شاعری ایرانی	○				امانت‌دار
غذای خرگوش‌ها		○			فلزی مایع
کال و نرسیده			○		بزرگان، امیران
آدم ریاکار				○	داخل‌شدن
امید و آرمان			○		جمع مکسر وزیر
گاو مقدس مصریان باستان		○			پانزده جفت پا
فرزند معاویه	○				آبگوشت سنتی
غریبه نیست		○			درس درست نوشتن
اتاق درس مدرسه			○		عارف و پیرو
مکانی برای تفریح و سرگرمی				○	فلس ماهی
مونس و همدم			○		شبه جزیره‌ای در مصر
خشکباری تهیه شده از انگور		○			منطقه‌ای بیلاقی در شمال تهران
صاحب و دارنده	○				سخن، قول
گوشت به سیخ کشیده		○			نامی برای پسران
ماه نو			○		نام گلی زیبا
اولین فصل سال				○	دیرنشین
از مشاغل دوره‌گردها			○		سه کیلوگرم

# له معجون



**طرز تهیه خمیر:**  
ابتدا کره را به شیر اضافه می کنیم و خوب هم می زنیم تا کره حل شود. بعد آرد و نمک را کم کم اضافه می کنیم و تا وقتی به دست نجسید، هم می زنیم. حالا آن را روی سطح صافی با وردنه باز می کنیم.  
**طرز تهیه مخلوط گوشت:**  
روغن را در ماهی تابه می ریزیم و پیاز را سرخ می کنیم. پیازها که طلایی رنگ شدند، گوشت را اضافه می کنیم و می گذاریم با حرارت کم، خوب بپزد. و فلفل و دارچین را می ریزیم و می گذاریم با حرارت کم، خوب بپزد. می گذاریم تا داغ شود. بعد با کمی کره ته آن را چرب می کنیم و خودتان را توی بشقاب بگذارید و مخلوط گوشت را رویش بریزید و آن را با سس گوجه فرنگی تزیین کنید و میل کنید، نوش جان.

**مواد لازم برای مخلوط گوشت:**  
گوشت چرخ شده ۱۰۰ گرم  
پیاز خرد شده یک عدد  
نمک و فلفل و دارچین به مقدار دلخواه  
روغن دو قاشق غذاخوری  
رب گوجه فرنگی یک قاشق غذاخوری  
**مواد لازم برای خمیر:**  
آرد گندم یک و نیم استکان  
شیر نیم استکان  
کره یک قاشق مرباخوری  
نمک نصف قاشق مرباخوری

ملیحه ظریف شاهسون نژاد

۱۰۰ پیکان

۱۰۰ پیکان  
۱۰۰ پیکان

۱

۵	۷۱	۸۱
۷۱	۰۱	۵
۷	۵	۵۱

۱

۱ و ۶ و ۱

\* ۱۰۰ پیکان  
۱۰۰ پیکان

۸

۵	+	۸	-	۵
+	۵	=	۱	×
۷	:	۸	-	۸

۵

۵

۵